

مقایسه‌ای بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی

مقدمه: دکتر علی‌نقیان

مقدمه: دکتر علی‌نقیان

بخش اول این مقاله در شماره‌ی ۱۶ تقدیم شد و اینک بخش پایانی آن آورده می‌شود.

نقوش قدیم عربی را در قالب دو مجموعه بررسی می‌کنم. اول مجموعه‌ای شامل سه نقش عربی جاهلی، و دوم شامل سه نقش دوران اولیه‌ی اسلامی.

الف) نقوش عربی جاهلی

پژوهشگران تعدادی از نقوش عربی را که به قبل از اسلام برمی‌گردند، در شمال جزیره‌ی العرب و اطراف بلاد شام کشف کرده‌اند. از این بین، سه نقش را برمی‌گزینم و سه دیگر را رها می‌کنم؛ زیرا تاریخ آن‌ها مورد تردید، و نگارش آن محدود و غیرواضح است. نقوش مورد بررسی عبارت‌اند از: «نقش نمارة»، «نقش جبل اسیس» و «نقش حران».

۱. نقش نمارة

شرق‌شناسان، دوسو و ماکلر، در سال ۱۹۰۱ م، این نقش را کشف کردند؛ نقشی که دارای اهمیت زیاد نوشتاری و زبانی است. محل آن در فاصله‌ی یک مایلی (۱٫۶ کیلومتری) نمارة، در شرق جبل دروز برستون، از حرا به‌های قصر رومانی بوده است. این نقش، روی سنگ قبر پادشاه عربی به نام امرؤ القیس بن عمرو، متوفی به‌سال ۳۲۸ میلادی بوده است. نیز بدین روی «نمارة» شناخته می‌شود که دو نزدیک مکانی به اسم نمارة یافت شده است.

پژوهشگرانی به تحقیق در آن پرداخته و کلمات آن را خوانده‌اند. شکل نگارش عربی برترسیم کلمات غالب است. در آن، جمله‌هایی کامل به زبان عربی خالص نوشته شده است و



آثار نبطی و آرامی در آن مشاهده می شود. و اینکه کلمات این نقش به حروف عربی امروزی ارائه می شود:

۱. فی نفس مر القیس بر عمرو ملک العرب کله
دو امواج

۲. و ملک الاسدین و نزر و ملوکهم و هرب محجوب
عکسی و جا

۳. بر جی فی حجج نجران مدینت شمرو و ملک معدو و
نزل

۴. الشعوب و وکلون بر سو لزوم فلم یبلغ ملک مبلغه
الشعوب و وکلون بر سو لزوم فلم یبلغ ملک مبلغه

۵. عکدی هلك سنت ۲۲۳ یوم ۷ یکملول بلسعد
عکدی هلك سنت ۲۲۳ یوم ۷ یکملول بلسعد

دورلده
بیشترین کلمات این متن، عربی می نمایند؛ به ویژه که از شبیره های نگارشی در آن زمان، نیارودن الف در وسط

برخی کلمات بوده است، مثل السج، السراج، و نجران، نجران، و نیز اضافه کردن «واو» در آخر اسامی اجلام، مثل:

عمرو، نزر و نزار، شمرو (شمرو) و...
این احتمال نیز وجود دارد که قرائت برخی کلمات و

انتقال آن از سنگ به ورق، دقیق نبوده است. اما تاریخ آن ۲۲۳ از تاریخ بصری، موافق با سال ۳۲۸ میلادی است.

این نقش دارای اهمیت تاریخی و زبانی است، زیرا سابقه ی آن به حدود سه قرن قبل از ظهور اسلام برمی گردد. دارای

کلمات و عبارات عربی خالص، و بیانگر جدا شدن کتابت عربی از کتابت نبطی در اول قرن چهارم میلادی است. با

ذکر این نکته که در مکانی یافت شده که از تأثیر گذارنده های زبانی غیر عربی خالی نبوده است؛ چه شماره در بلاد شام

یعنی جایی که آرامی در آن غالب بوده و واقع بوده است.^۶

۲. نقش کوه اسیس

این نقش توسط گروهی آلمانی به سال ۱۹۶۵ م، در حین جست و جوی آثار باستانی در مسوویه (در کوه

اسیس، در ۱۰۵ کیلومتری جنوب شرقی دمشق) کشف شد.^۷ این نقش آخرین نقش عربی جاهلی است که کشف

شده؛ گرچه از لحاظ تاریخی، قدیم ترین آن ها به حساب نمی آید. نیز برای بسیاری از محققین در تاریخ نگارش عربی

به درستی شناخته نشده است.^۸ قرائت کلمات آن با حروف عربی امروزی بدین قرار است:

۱. ابراهیم بن مغیره الأوسی

۲. ارسلنی الحرث الملک علی

۳. سلیمان مسلحة سنت

۴. ۲۲۳

استاد سهیله جبوری اشاره داشته که تاریخ این نقش بر

اساس تقویم بصری، معادل سال ۵۲۸ میلادی است و

«حارث» مذکور در نقش، همان حارث بن جبلیه ای است

که بر مندر سوم

لخمی، در سال

۵۲۸ م، پیروز شد.

به نظر می رسد که

ابراهیم بن مغیره اوسی،

یکی از اذنان

ملک حارث بوده

است. در

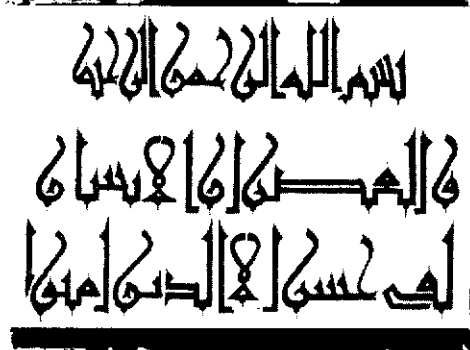
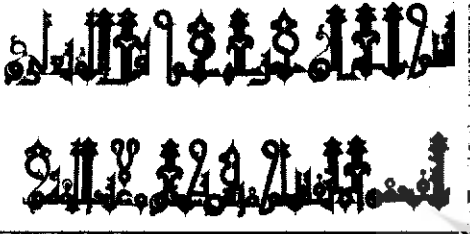
«لسان العرب» در مورد کلمه ی «مسلحه» آمده است:

«مسلحه: قومی است که مرزها را از دشمن حفاظت

می کنند. آن ها را مسلحه نامیده اند، زیرا دارای سلاح

هستند.» [این منظور، ج ۳، ص ۳۱۷، مدخل سلح].

با وجودی که کلمات آن کم اند، اما به صورت عربی



آیه نگاری بدیع سوره مبارکه «عصر» به قلم کوفی پیرا آموز متشابه عصر سلجوقیان؛ خط مرحوم استاد محمدعلی عطار هر وی

خالص آمده‌اند و دارای معنی مشخص و واضح هستند؛ هم چنان که به صورت حروف واضح عربی نگاشته شده‌اند. شاید مهم‌ترین مشخصات نگارش این متن عبارت‌اند از:

۱. خالی بودن از نقطه و علامت‌های حرکات؛
۲. حذف الف در وسط کلمه (مثل ابراهیم، حارث و سلیمان)؛
۳. نوشتن «تاء» ثابت به صورت «ها» در «مغیره» و «مسلمة» و به صورت تالی کشیده در کلمه‌ی «سنت» است.

۳. نقش حران

گروهی از شرق‌شناسان در سال ۱۸۶۴ م، در حران شرق الحما، واقع در منطقه‌ی شمال جبل دروز این نقش را کشف کردند. به یونانی و عربی و روی سنگی که بالای درب کنیسه‌ای قرار داشت، نوشته شده است. تاریخ آن به سال ۵۶۸ م، باز می‌گردد. و اینک کلمات متن عربی:

۱. انا شرحیل بن ظلمو بنیت ذالمطول
۲. سنت ۴۶۳ بعد مفسد
۳. خبیر
۴. بعم

قرائت کامل متن بدین قرار است: «انا شرحیل بن ظالم، بنیت ذالمطول [الکنیسه]، سنة ۴۶۳ من تقویم بصری=۵۶۸ م]، بعد مفسد خبیر بعم». «مفسد خبیر» اشاره به جنگی است که حارث بن شمیر یکی از امرای بنی‌عساک بر پا کرده بود. این نظریه را برخی از محققین، ترجیحاً ارائه داده‌اند.^{۱۱}

نقش حران دارای ویژگی‌های نگارشی جداگانه‌ای است، به مانند نقش کوه اسیس، از نظر خالی بودن از نقطه‌های اعیان و علامات حرکات و به مانند تمامی نقوش عربی جاهلی. و نیز از نظر حذف الف در وسط کلمات، هم چون شرحیل، شرحیل، ظلمو، ظالم، بعم: بعم. و از اضافی در آخر ظلمو، مثل واو اضافی در اعلام نقش نمارة است. هم چنین، «سنة» در این متن با تالی کشیده آمده است. نگارش عربی را که در نقوش عربی جاهلی، به ویژه دو نقش اسیس و حران، ملاحظه کردیم، نمونه‌ی تکامل یافته‌ی املائی عربی در شکل آغازینش را قبیل از نگارش

قرآن، به دست داده‌اند. تغییراتی که در کتابت عربی از آن پس رخ داد، تحولی اساسی و جوهری در شکل آن خط به وجود نیاورد. شایان گفتن است که ویژگی‌های نگارش عربی با ویژگی‌های نگارش بنطی ارتباط دارد. تحلیل بعضی نامی در آخر تحقیقاتش، در کتاب «اصل الخط العربی» (ص ۱۰۱) پیرامون خط عربی آورده است: «بر روشن شدن که نگارش عربی عبارت است از شکل تطور یافته‌ی نگارش بنطی، و آن خط، مشخصات و ویژگی‌های این خط را داراست.»

ب) نقوش دوره‌ی اسلامی

متون مکتوبی که به قرن اول هجری باز گردند، زیادند، اما آن‌چه مربوط به نیمه‌ی اول این قرن می‌شود، کم است. قلت این متون در سان‌های اولیه‌ی تاریخ اسلام، امری عمومی و پذیرفته است. اما متون مکتوبی که به نفع‌های اولیه‌ی آن قرن باز می‌گردند، دارای تنوع هستند. برخی شان روی پوست یا پاپیروس نگاشته شده و برخی روی درهم‌ها ضرب شده‌اند.^{۱۲}

هر پژوهشگری در مورد بسیاری از این متون با مشکلاتی روبه‌روست. شاید کم‌ترین مشکلات این متون مربوط به متون منقوش بر سنگ‌هاست؛ به ویژه آن‌هایی که دارای تاریخ‌اند. لذا سه فقره از این دست متون را برای بحثی که ما به آن پرداخته‌ایم، سردست‌تر بیافزیم؛ زیرا قدیم‌ترند، قرائشان آسان و واضح است، و کلمات آن‌ها زیادترند. این متون در شهرهای متفاوت یافت شده‌اند: نقش اول در مصر، قوم در بلاد حجاز (سعودی) و نقش سوم در عراق. اینک از آن‌های متون و تاریخ کشف آن‌ها:

۱. نقش قاهره

این نقش را که به خط کوفی نگارش یافته، استبداد حسن محمد هواروی در میان تعداد زیادی از قطعات سنگی رخامی کشف کرده است و در «الانوار العربیه» قاهره نگاشته می‌شده است. این نقش در سال ۱۹۲۹ م، از میان قدیم‌ترین سنگ قبرهای اسلامی در قاهره و اسوان کشف شده است.^{۱۳} هواروی در مجله‌ی بصری «الهلال»، در مورد آن مقاله‌ای با عنوان «القدم اثر اسلامی» نگاشت.^{۱۴} هم اکنون



در موزه‌ی هنر اسلامی قاهره به شماره‌ی ۲۹/۱۰۵۸ نگه‌داری می‌شود. اندازه‌ی تکه سنگ ۱۸×۳۸ سانتی‌متر است.^{۱۵} پاره‌ای از منابع، این نقش را به اسم نقش «اسوان» نامیده‌اند؛ بر این اساس که در مقابر اسوان واقع در جنوب مصر یافت شده است.^{۱۶} اما آن چه حسن هواری در مقاله‌اش پیرامون این نقش بر آن تصریح داشته، این است که این نقش مربوط به مردی است که «در قزاقه» پشت قسطنطین مدفون بوده است.^{۱۷} و از این رو، نقش قاهره نامیده می‌شود.

این نقش در تحقیقات مربوط به تاریخ تطویر نگارش عربی شآن و جایگاه برتری دارد، چه تقریباً قدیم‌ترین متن اسلامی است که روی سنگ تدوین یافته. تاریخ آن به سال ۳۱ هجری نگاشته شده است؛ یعنی همان زمانی که مصحف‌ها را در مدینه در زمان خلافت عثمان بن عفان می‌نوشتند. محققین در مورد قرائت تمامی آن، به جز دو یا سه کلمه، اتفاق نظر دارند. و اینکه عین کلمات نقش با اشاره به سه کلمه‌ی مورد اختلاف در گروه، ارائه می‌شود:

۱. بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر
۲. لعبد الرحمن بن [خیر] [الحجری] اللهم اغفر له
۳. وادخله فی رحمة منک [و اننا] معه
۴. استغفر له اذا قرأ هذا الکتاب
۵. و قل آمین و کتب هذا
۶. لکتاب فی جمادی الا
۷. حرم سنه احدى و
۸. ثلاثین

بزرگواران در قرائت کلمه‌ی «خیر» در سطر دوم، اختلاف کرده‌اند و برخی آن را «خیر» خوانده‌اند، نیز در مورد «الحجری» در همان سطر که برخی آن را «حجازی» خوانده‌اند.^{۱۸} اما حسن هواری ترجیحاً آن‌ها را «خیر» و «الحجری» دانسته است [قدم اثر اسلامی، ص ۱۱۹۰ و ۱۱۹۱]. هم‌چنین در خواندن کلمه‌ی «و اننا» در سطر سوم اتفاق نکرده‌اند. برخی آن را «و انسا» [اسرائیلی و لفسون، ص ۲۰۲] و برخی نیز «و انا» خوانده‌اند [درسات فی تاریخ الخط العربی، ص ۴۱]. سبب اختلاف آن‌ها در قرائت این کلمات، فقدان نقطه در متن اصلی است. تحلیل یحیی‌نامی، پیشنهاد کرده که کلمه‌ی «قرأ» در سطر چهارم،

«قرأت» خوانده شود. گویا او معتقد است که کاتب، نوشتن تاء [فواصل] را فراموش کرده است [اصل الخط عربی، ص ۹۱]. اما این نظر از دیدگاه ما پشتوانه‌ای ندارد، چرا که ساختار کلمه، مبنی بر مجهول است (=قریء)؛ به مانند «کتب» در سطر پنجم. اما در این جا مشکل کتابت همزه رخ می‌نماید که پیرامون آن در موضوع بعدی سخن خواهیم گفت.

۲. نقش طائف

کشف این نقش در سال ۱۹۴۸ م، به هنگام انجام حفاری در معادنی در منطقه‌ای نزدیک به طائف در حجاز به انجام رسید. انتشار و قرائت آن را مایلز در سال ۱۹۴۸ م صورت داد. برخی دیگر از محققین نیز به تحقیق روی آن پرداختند. این نقش روی صخره‌ای از بقایای سدی قدیم در نزدیک طائف که به دستور حلیفه‌ی اموی، معاویه بن ابی سفیان ساخته شده بود، قرار گرفته و به سال ۵۸ هجری، تاریخ‌گذاری شده است. متن آن بدین قرار است:

۱. هذا السد لعبد الله معوية
۲. امیر المؤمنین بنی عبد الله بن صخر
۳. باذن الله لسنه ثمن و خمسين ا
۴. اللهم اغفر لعبد الله معوية ا
۵. امیر المؤمنین و شیه و انصره و منع ا
۶. لمؤمنین به تب عمرو بن حباب

مایلز به هنگام انتشار اولیه‌ی این نقش گمان ببرد که کلمه‌ای در اول سطر ششم محو شده است. کلمه‌ی مورد اشاره‌ی او «امیر» است و عبارت فوق را چنین تصور کرده: «و منع [امیر] المؤمنین به». در حالی که هیچ دلیلی برای این تقدیر وجود ندارد، چرا که متن کامل بوده است و هیچ نیازی به تقدیر چیزی اضافه ندارد و ضمیر در «به» در سطر ششم، به امیر المؤمنین باز می‌گردد و نه سد. کاتب خواسته بگوید: «و منع المؤمنین بامیر المؤمنین»، یعنی بطول بقاءه [رسم المصحف، ص ۵۲۹-۵۴۷]. این نقش از تمامی نقش قبلی، متفاوت و متمایز است؛ در این که تعدادی از حروف آن به نظر نقطه دار می‌رسند، یعنی حروف: باء، تاء، یاء، نون، فاء وحاء. به‌زودی در مورد این مطلب

۳. نقش حفنة الابيض

این نقش را سیدعزالدین حسدوفی در سال ۱۹۴۹م، هنگامی که با گروه اداره‌ی آثار باستان‌شناسی عراق به صحرای غربی رفته بودند، کشف کرد. این نقش شبیه یادبودی است که ثابت بن یزید اشعری در شوال سال ۶۴ هجری صحیره‌ای که بالای دره‌ی وادی ابیض در منطقه‌ای به نام «حفنة الابيض» (غرب کربلا) واقع بوده، نوشته است.^{۱۰} متن کلمات نقش بدین ترتیب است [درسات فی تاریخ الخط العربی، ص ۱۰۵-۱۰۴].

۱. بسم الله الرحمن الرحيم
۲. الله وکبر کبیرا و ۱
۳. لحمد الله کثیرا و سبحن ۱
۴. لله بکرة و اصیلا و لیلا
۵. طویلا اللهم رب
۶. جبریل و میکل و اسر
۷. قیل اغفر لیث بن یزید
۸. الاشعری ما تقدم من
۹. ذنبه و ما تأخر و لمن قال
۱۰. آمین رب العلمین
۱۱. و کتبت هذا الکتب فی
۱۲. شوال من سنة اربع و
۱۳. ستین

این نقش، حامل ویژگی‌های نقوش قبلی است، به اضافه‌ی برخی پدیده‌های املائی منحصر به فرد که در مبحث بعدی به آن اشاره می‌کنیم. این جا فقط به وجود سه حرف نقطه دار پاء، یاء و ثاء در سطرهای دوم و سوم اشاره می‌کنیم.

ج) پدیده‌های املائی مشترک بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی

در این جا قصد نداریم که تطور ظاهری حروف در نقوش جاهلی و اسلامی را بررسی کنیم، بلکه هدفمان بررسی پدیده‌هایی است که در آن‌ها، صورت نوشتاری با صورت گفتاری یکسان نیست و آن نقش‌ها و این رسم الخط مصحف دارای چنین ویژگی‌های مشترکی هستند. از این دست پدیده‌های مشترک به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. فقدان اعراب و نقطه

نقوش قدیم عربی (جاهلی و اسلامی) در فقدان

علامت‌های حرکات سه گانه، یعنی فتحه، ضمه و کسره، و دیگر نشانه‌ها متمایز هستند. چنان‌که مصاحف اولیه نیز از این گونه علامات خالی بودند. خط عربی، این ویژگی را از منبع اصلی و قدیمی خود، یعنی خط نیسطی به ارث برده است.^{۱۱} ابو عمرو دانی گفته است: «عرب، اهل اعراب و نقطه گذاری نبوده است» (المحکم، ص ۱۷۶).

اما علامات حرکات به کار رفته در مصاحف کنونی و در کتابت عربی در غیر مصاحف، مربوط به دوران بعد از نگارش مصاحف است؛ زیرا نوشتن بدون علامت و حرکت، قرأت صحیح را تعیین نمی‌کند. بدین روی، دانشمندان در بدو تاریخ اسلام به فکر اصلاح این نقیصه‌ی نگارشی افتادند. اولین کوشش در این راه، از سوی ابوالاسود دؤلی (ظالم بن عمرو، ۶۷ یا ۶۸) در بصرة صورت گرفت. او شیوه‌ی نقطه گذاری کرد و قرمز رنگ را برای نشان دادن حرکات، ابتکار کرد. برای نشان دادن فتحه، نقطه‌ای بالای حرف، برای کسره نقطه‌ای پایین حرف و برای ضمه نقطه‌ای در مقابل حرف قرار داد. به کارگیری این شیوه در مصاحف، به طور ویژه انجام می‌شد.^{۱۲}

شیوه‌ی اعراب گذاری ابوالاسود را مدت‌ها به کار می‌گرفتند؛ شیوه‌ای که خالی از مشکلاتی چون تعداد رنگ‌های به کار رفته و اشتباه کردن نقطه‌های اعراب یا نقطه‌های حروف مشابه در رسم، نبود. لذا دانشمندان عربیت، خلیل بن احمد فراهدی بصری (ت ۱۷۰ هـ)، به میدان آمد و به جای نقطه‌های گرد ابوالاسود، علامت‌های کوچکی از رنگ همان خط، ابداع کرد. برای نشان دادن فتحه، الفی کوچک و کج را در بالای حرف، برای کسره، بانی کوچک و کج را در زیر حرف و برای ضمه، واوی کوچک بالای حرف قرار داد [همان، ص ۷].

جزئیات دیگری در مورد تاریخ به کارگیری حرکات در کتابت عربی وجود دارد که ذکرش به طول می‌انجامد و نیاز مبرمی برای ذکر آن‌ها نداریم. آن چه به این موضوع ارتباط دارد، نقطه‌های اعجمی است که حروف مشابه را در نگارش متمایز می‌کند. نقوش عربی که به قبل از اسلام برمی‌گردد، از نقطه‌های اعجم خالی است. خط عربی این پدیده را از خط نیسطی اخذ کرده است [اهل الخط العربی، ص ۱۰ و ۱۸۷]. مصحف‌ها نیز از این نقطه‌ها خالی بوده‌اند. آن چه در منابع عربی آمده این است که نصر ابن عاصم لیشی بصری (ت ۹۰ هـ)، حروف [مشابه] را



بدایع نگاری کتابت قرآن به خط کوفی
پیر آموز، موزه «متروپولیتن» نیویورک



نقطه گذاری کرده است. اما در نقوش عربی اسلامی که به بخشی از روزگار نصرین عاصم برمی گردد، برخی از حروف نقطه گذاری و معجم شده اند؛ به ویژه در نقش سد طائف که به سال ۵۸ هـ تاریخ خورده است. اما در اصالت نقطه گذاری که در نگارش نقش سد طائف رخ داده شکی وارد است که برای تفصیل آن می باید به منابع مرتبط مراجعه کرد.

۲. حذف الف در وسط کلمه

از پدیده های نگارشی شایع در رسم الخط مصحفی حذف الف وارده در وسط کلمه در بیش ترین مواقع است. از جمله مثال هایی که در این ارتباط می توان بیان داشت، چهار کلمه در سوره ی حمید است، شامل: الرحمین (الرحمان)، العلمین (العالمین)، ملک (مالک)، الصراط (الصراف) و نمونه های زیادی که قبلاً یاد آور شدیم. هنگامی که به نقوش عربی قدیم مراجعه می کنیم، درمی یابیم که این پدیده، ویژه ی نگارش مصحف بوده، بلکه یکی از ویژگی های نگارش عربی در آن وقت بوده است. حذف الف، پدیده ای نگارشی است که در نقوش عربی جاهلی شایع بوده؛ مثل التبع (التاج) و نجرن (نجران) در نقش نمارة، و ابرهیم (ابراهیم)، الحرث (الحرث) و سلیمان (سلیمان) در نقش کسوة اسب، و شرحیل (شراحیل)، ظلموا (ظالم) و بعم (بعم) در نقش حران.

این پدیده، پس از نگارش مصحف نیز ادامه یافت، چنان که نقوش عربی اسلامی که ذکرشان رفت، بیانگر این مطلب قد؛ از جمله: هذا (هاذا)، الکتب (الکتاب)، جمدی (جمادی)، ثلثین (ثلاثین) در نقش قاهره، معویة (معاویة) و ثمن (ثمان) در نقش طائف، و سبحن (سبحان)؛ ثبت (لثابت)، العلمین (العالمین) و الکتب (الکتاب) در نقش حفنة الابيض.

اصل این پدیده به خط نبطی که خط عربی از آن زاینده



نمونه بسم الله به خط مقترن

آموزه های
دوره ای چشم همایون
۱۳۶۶



آیه نگاری سوره مبارکه «انشراح» به قلم کوفی پیر آموز
منکسر؛ خط مرحوم استاد محمدعلی عطارهروی

شده است، باز می‌گردد.^{۲۵} ولذا وجود این پدیده در نگارش مصحف، منحصر به فرد نبوده، بلکه در نگارش عربی قبل از کتابت مصحف نیز موجود بوده است. پس از آن در نوشته های قرن اول هجری شایع تر بوده است و به صورت تدریجی تا به امروز ادامه یافته است؛ کلماتی که هم اکنون هم بدون الف نوشته می‌شوند، مانند: الرحمن (الرحمان)، هذا (هاذا)، هذه (هذه)، هؤلاء (هاؤلاء)، اله (الاه)، لكن (لاکن)، اولئك (الائک) و ذلک (ذالک).

۳. نوشتن تایی

از پدیده های نگارشی که رسم الخط مصحف را متمایز می‌کند، نوشتن تایی مؤنث به صورت تایی کشیده، و هاء می‌باشد؛ مثل: رحمت (رحمة)، نعمت (نعمه) و کلمت (کلمة). در این جا نیازی نیست که پیرامون اصل علامت تأیث در عربی و علت نوشتن دوگانه ی آن بحث کنیم. کافی است اشاره کنیم که این پدیده در نگارش عربی قبل از رسم الخط مصحف متداول بوده است. چنانچه نقوش عربی قدیم نیز بیانگر همین مطلب اند. مثلاً در نقش معاره مدینت (مدینه) و سنت (سنة)، و در نقش کوه اسپس ست (سنة) آمده است و هم چنین در نقش حران، به نظر می‌رسد که نوشتن تایی تأیث به صورت هاء، ده‌ها سال قبل از اسلام شروع شده نبوده است. در نقش کوه اسپس، کلمات مغیره و مسلحة به صورت هاء آمده و کلمه ی سنة در همان نقش، به صورت تاء آمده است. این مطلب بیانگر روش نگارش مصحف در نوشتن این نوع از کلمات است. پدیده ی نگارش تایی تأیث به صورت تایی کشیده، تدریجاً و به صورت پنهانی تا به امروز در خط عربی مشاهده می‌شود.

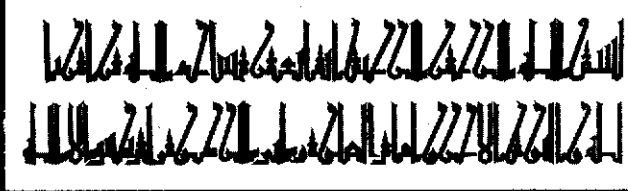
۴. جدا کردن حروف یک کلمه بر آخر سطر و بعد از آن

از جمله پدیده های نگارشی که در سه صفحه از مصاحف قدیم ملاحظه کردیم، تقطیع و جداسازی حروف کلمه ای است که در آخر سطر قرار می‌گیرد. بدین قرار که بخشی از کلمه در آخر سطر و بخشی دیگر در اول سطر بعدی نوشته می‌شود؛ چنان‌که در آخر سطر هشتم و اول سطر نهم کلمه ی «بصیر - ون» در صفحه ی اول مصحف بدین شیوه نوشته شده است و نیز در سطرهای (۱-۱۲) و (۱۲-۱۳) و (۱۵-۱۶). همین پدیده را در دو صفحه ی دیگر نیز مشاهده می‌کنیم. پاره ای از علمای سابق نیز بر وجود این پدیده در مصاحف قدیم عثمانی تصریح کرده اند [صبح الاعشى، ج ۲، ص ۱۵۱].

از وجود این پدیده در نقوش سه گانه ی عربی جاهلی اثری نیست. اما این معنی عدم وجود این پدیده در کتابت قبل از اسلام نخواهد بود. زیرا سه نقش یاد شده، کوچک و دارای کلماتی اندک اند. اما هر یک از نقوش عربی اسلامی بیش از یک مورد از این پدیده را دارا هستند. مثلاً در نقش قاهره، کلمه ی «الکتب» بین آخر سطر پنجم و اول سطر ششم تقسیم شده و کلمه ی «الآخر» بین آخر سطر ششم و اول سطر هفتم واقع شده است. نیز در نقش طائف، الف در کلمات مربوطه در آخر سطر سوم، چهارم و پنجم جدا شده است و در نقش حنساء الابيض، در آخر سطر دوم، سوم و ششم، این پدیده را ملاحظه می‌کنیم.

۵. نوشتن همزه

نگارش همزه از موضوعات چندگانه در املا ی عربی و رسم الخط مصحف و غیره است. اما وجه غالب نوشتن همزه، تسهیل آن است [المحکم، ص ۱۲۵]. در این جا قصد ورود به جزئیات این موضوع را نداریم. صرفاً به این بسته می‌کنیم که



بدایع نگاری به خط مسلسل معقرون، شیوه این بیواب

زیر نویس

۱. نقوشی که به بررسی آن‌ها نپرداخته‌ام، شامل: کتیبه ام‌الجمال اول، کتیبه زید و کتیبه ام‌الجمال دوم است. برای آگاهی از آن‌ها رک: ناصر النقشبندی، منشأ الخط العربی و تطوره. مجله سومر. مجلد ۳. ج ۱. ص ۱۳۳-۱۳۰؛ جواد علی. تاریخ العرب قبل الاسلام. ج ۷. ص ۲۸۰-۲۷۲.
۲. اسرائیل و لفسنون. تاریخ اللغات السامیه. ص ۱۸۹؛ جواد علی. تاریخ العرب قبل الاسلام. ج ۱. ص ۱۸۹ و ج ۷. ص ۲۷۳؛ بلاشر. تاریخ الادب العربی. ج ۱. ص ۷۱؛ رمزی بعلبکی. الکتابه العربیه و السامیه. ص ۱۲۴.
۳. در مورد قرائت این کتیبه، رک: منابع یاد شده در منبع شماره ۲.
۴. ترجمه‌ی عبارات یاد شده از این قرار است:
- این گور امری القیس بن عمرو، پادشاه همه‌ی عرب‌هاست که تاج (سلطنت) را به دست آورد.
- بر اسدین و نزار و پادشاهان آنان سلطنت کرد. امروز، مذجع راشکست داد و آورد.
- غنایمی را از اجتماع نجران در شهر شمر. معد را به تسخیر خویش در آورد و حاکم کرد فرزندانش را
- بر ملت‌های ایران و روم به عنوان نماینده‌ی خود (در آن سرزمین)، هیچ پادشاهی به مقام او نرسید.
- امروز روز ۷ کسلول، سال ۲۲۳، از بین رفت. پس سعادت‌مند باد فرزندانش (از: مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی. دکتر رمضان عبدالنواب. ترجمه‌ی حمید رضا شیخی. ص ۶۵). برای اطلاع از آوانویسی متن کتیبه به لاتین، رک: راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی. دکتر آذرتاش آفرنوش. ص ۶۸ (مترجم).
۵. دکتر رمزی بعلبکی، شامل ترین تحقیق تحلیلی، زبانی و تاریخی را در مورد این کتیبه در کتابش، «الکتابه العربیه و السامیه»، ص ۱۴۳-۱۲۴ ارائه داده است.
۶. سهیله الجبوری. اصل الخط العربی و تطوره. ص ۵۳-۵۲.
۷. در منابع عربی، به وجود این متن پی نبرده‌اند؛ جز در کتاب «اصل الخط العربی و تطوره»، اثر خانم سهیله جبوری که در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسیده است. دکتر رمزی بعلبکی در کتابش (الکتابه العربیه و السامیه) که در سال ۱۹۸۱ به چاپ رسیده، از این متن یاد نکرده است.
۸. سهیله الجبوری. همان. ص ۵۳.
۹. همان. ص ۵۳. باورقی ۱۹ و ۲۰.
۱۰. ترجمه‌ی عبارات کتیبه چنین است: «من شرا حیل بن ظالم، این کتیسه را در سال ۴۶۳، یک سال پس از جنگ و تخریب خیبر، بنا کردم» (رمضان عبدالنواب. همان. ص ۶۷ (مترجم)).
۱۱. ناصر النقشبندی. همان. ص ۱۲۳؛ جواد علی. همان. ج ۱. ص ۱۹۰ و ج ۷. ص ۲۷۹؛ بلاشر. همان. ج ۱. ص ۷۲؛ رمزی بعلبکی. همان. ص ۱۵۵-۱۵۱.
۱۲. در مورد این متون رک: حسن محمد الهواری. اقدم اثر اسلامی. مجله الهلال المصریه. سال ۳۸ (۱۹۳۰). ج ۱۰. ص ۱۱۸۳-۱۱۸۱؛ ناصر النقشبندی. همان. ص ۱۴۰-۱۳۵؛ زاکیه محمد رشدی. النقوش السامیه (قسمت دوم). مجله‌ی دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره (۱۹۶۷). مجلد ۲۹. ج ۱-۲. ص ۵۶-۴۰.
۱۳. اسرائیل و لفسنون. تاریخ اللغات السامیه. ص ۲۰۲.
۱۴. شماره‌ی دهم از سال ۳۸ (۱۹۳۰)، ص ۱۱۹۱-۱۱۷۹. حسن هواری هم چنین مقاله‌اش را در مجله‌ی الجمعیة الاسبویه الملکیه، شماره‌ی نسیان ۱۹۳۰ به چاپ رسانده است. رک: ابراهیم جمعه. دراسة فی تطور الكتابات الکوفیه. ص ۱۲۸.
۱۵. ابراهیم جمعه. همان. ص ۱۳۰؛ سهیله الجبوری. همان. ص ۱۰۸.
۱۶. همان دو منبع. ص ۱۳۰، ۱۰۸.
۱۷. مجله الهلال. ج ۱۰ (سال ۳۸). ص ۱۱۹۱.
۱۸. اسرائیل و لفسنون. همان. ص ۲۰۲؛ خلیل یحیی نامی. همان. ص ۹۱.
۱۹. در مورد این کتیبه و منابع شناسایی آن، رک: کتاب رسم المصحف. غانم قدوری حمد. ص ۵۴۹-۵۴۷.
۲۰. عزالدین الصندوق. حجر حفنة الابيض. مجلة سومر. ۱۹۵۵. مجلد ۱۱. ج ۳. ص ۲۱۷-۲۱۳؛ رسم المصحف. همان. ص ۵۴۹.
۲۱. سهیله الجبوری. همان. ص ۱۴۷؛ رمزی بعلبکی. همان. ص ۳۲۱.
۲۲. همان. ص ۶-۷؛ ابن التمیم. الفهرست. ص ۴۵.
۲۳. برای تفصیل بیش تر رک: رسم المصحف. همان. ص ۴۶۵ به بعد.
۲۴. رسم المصحف. همان. ص ۵۵۵-۵۳۷.
۲۵. خلیل یحیی نامی. همان. ص ۸۸ و ۱۰۱؛ رمزی بعلبکی. همان. ص ۱۷۹-۱۷۸.

به صورت محدود در نقوش قدیم عربی کلمات مهموز آمده، مؤید آمدن کلمات مهموز به صورت غیر قاعده در رسم الخط مصحف است. آن چه در نقش حفنة الابيض، در سطر دوم آن آمده است، یعنی نوشتن همزه به صورت واو در «الله وکبر»، نمایانگر زیادت واو در کلماتی از مصحف هم چون «اولئک»، «ساوریکم» و مانند آن است [رسم المصحف، ص ۳۸۶].

در سطر چهارم نقش قاهره، کلمه «قرأ» به این شکل آمده است، حال آن که سیاق جمله اقتضای کند که با بنای مجهول «قری» خوانده شود و رسم آن به صورت یاء باشد. اگر چنان چه فعل مجهول باشد، نوشتن همزه به شیوه‌ی نگارش به صورت الف خواهد بود و این روشی قدیم و معروف در کتابت عربی به شمار می‌آید [الفراه معانی القرآنی، ج ۲، ص ۱۳۲].

مجهول بودن فعل قرأ در جمله را، کلمه‌ی بعدی آن، یعنی «کتب» در سطر پنجم که به صیغه‌ی مجهول آمده است، توجیه می‌کند [اصل الخط العربی، ص ۹۱].

فرجام سخن

مجموع کلمات نقوش قدیم عربی، افزون بر کلمات یک صفحه از مصحف نخواهند بود. از این روی، پدیده‌های املائی که آن نقوش دارا هستند، به نسبت پدیده‌هایی که در رسم الخط مصحف می‌یابیم، اندک به حساب می‌آید. اما پدیده‌های املائی موجود در نقوش قدیم عربی، با وجود قلت، راهنمای بزرگی در موضوعی که بدان پرداختیم خواهند بود. نیز تقویت کننده‌ی این مطلب اند که صحابه رضوان الله علیهم اجمعین، قرآن را در مصحف با خط عربی متداول در زمان نزول قرآن نگاشته‌اند و امکان ارائه‌ی این رأی را به ما می‌دهد که پدیده‌های املائی موجود در رسم الخط مصحف که در آن عدم مطابقت خط با گفتار مشاهده می‌شود، از ویژگی‌های نوشتاری عربی قبل از تدوین قرآن بوده است. رسم الخط عثمانی یا همه‌ی تنوع در گونه‌های زیاد نوشتاری، نمونه‌ی صادقی از خط عربی در نیمه‌ی اول قرن اول هجری را ارائه می‌دهد؛ زمانی که مردم تفاوت بین نوشتن مصحف و انواع دیگر نوشتن را دریافته بودند. این وضعیت ادامه یافت تا این که علمای عربی دال در بصره و کوفه رخ نمودند و ضوابطی را بر اساس مقیاس‌های نحوی و اصول صرفی برای نوشتار و خط، بنا نهادند.

